

جامانندگان مناظرات

آسیب‌های اجتماعی، محیط‌زیست، بحران آب و بیماران خاص در وعده‌های نامزدهاگم شد



سارا سبزی

گزارشگر گروه جامعه

«بحران آب، معیشت کارگران، محیط‌زیست، بیماران خاص، بحران صندوق‌های بازنشستگی و آسیب‌های اجتماعی»؛ این محورها به‌عنوان نمایندگان موضوعات جامانده در مناظرات اخیر، در سال‌های گذشته به‌مهم‌ترین بحران‌های پیش‌روی جامعه ایرانی تبدیل شده‌اند، اما جایی در برنامه‌های انتخاباتی نداشتند. از میان آنها تنها بحران صندوق‌های بازنشستگی در مناظره آخر مطرح شد که آن هم در میان جدال دو کاندیدا پاسخ‌روشنی نداشت.

در شرایطی که طبق نظرسنجی‌های سال ۹۷ از میان صاحب‌نظران ایرانی، رتبه اول چالش‌های ایران را به خود اختصاص داده است، هیچ‌کدام از کاندیداها درباره بحران آب و برنامه خود برای دیپلماسی این حوزه برنامه‌ای ارائه نکرد.

حوزه محیط‌زیست هم جایی در مناظرات نداشت و تنها در برنامه‌های یک کاندیدا، یعنی مسعود پزشکیان ایده‌هایی کلی درباره آن مطرح شد و فعالانی از این حوزه او را همراهی کردند، اما این برنامه هم در محدوده مخالفت با طرح‌های ضد محیط‌زیستی باقی ماند و انتقاداتی هم به نداشتن ایده برای حل بحران‌های محیط‌زیستی به او وارد شد.

از سوی دیگر این حوزه کودکان کار و طیف گسترده‌ای از آسیب‌های اجتماعی است که باز هم در مناظرات مورد توجه قرار نگرفتند و زیر سایه مباحث کلان اقتصادی و فرهنگی ماندند. نتیجه این بی‌توجهی، واکنش خود فعالان و طرح اولویت‌هایشان بود.

نمونه آن انجمن حمایت از کودکان بود که بیانیه‌ای مطرح و مطالبات خود را اعلام کرد. در بیانیه این انجمن که به تازگی منتشر شده، آمده است: «سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نهادهایی که صدای مردم و مطالبات آنان را بیان می‌کنند، در سال‌های گذشته با محدودیت‌های فراوانی، به‌ویژه در ثبت و تمدید مجوز، روبه‌رو شده‌اند. نگاه امنیتی به فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد هزینه‌ی کار در این سازمان‌ها را بالا برده و نهایتاً منجر به کاهش فعالیت‌ها و دلسردی داخلی وارد کار شد.

فراموشی بیماران صعب‌العلاج

احمد قوبدل، مشاور هیئت‌مدیره کانون هموفیلی ایران که پیش از این سال‌ها به‌عنوان مدیرعامل این کانون فعالیت می‌کرد و با درد و رنج بیماران هموفیلی و البته سایر بیماران خاص آشناست، از وضعیت این بیماران قبل و بعد از برجام می‌گوید. به گفته او، برجام و مذاکرات مربوط به آن، یک نقطه امیدواری جدی برای بهتر شدن وضعیت بیماران ایجاد کرده بود و حتی به همین مناسبت و تأثیر زیاد این اتفاق بر زندگی بیماران خاص، ۲۲ مردادماه را به‌عنوان روز ملی سازمان‌های مردم‌نهاد نامگذاری کردند. در نشست مرتبط با این روز، روحانی - رئیس‌جمهوری وقت - و آقای ظریف، در مراسم حضور داشتند و روح حاکم بر فضا نشان می‌داد که برجام پاسخی به نفس به‌شماره افتاده بیماران خاص و صعب‌العلاج بود. او به «هم‌میهن» می‌گوید: «این موضوع آنقدر مهم بود که بلافاصله بعد از تصویب برجام، این روز نامگذاری شد و اهمیت حق بر سلامت در عرصه بین‌المللی را نشان می‌داد. بعد از برجام بود که گشایش جدی ایجاد شد و بیماران به‌میزان بیشتری به دارو دسترسی پیدا کردند. آن دوره اوج دسترسی بیماران به دارو بود. تحریم‌ها که بازگشت، دیگر دارو از منابع اصلی خودش انتقال نمی‌یافت، هر چند بحث تحریم‌ها یک دروغ از سوی آمریکا بود که ادعا کرده بود، دارو تحریم نیست». او ادامه می‌دهد: «خرانه‌داری آمریکا می‌گفت، دارو و اقلام پزشکی تحریم نیست اما این‌ها هم کالا بودند و انتقال‌شان نیاز به معادلات بانکی داشت که عملاً در تحریم بودند. نهایتاً ارسال کالا تحریم بود بلکه باربری‌ها و بیمه‌های حمل‌ونقل هم شامل تحریم بود و هنوز هم این وضعیت ادامه دارد. ما از تمام سرویس‌ها تحریم هستیم.» به گفته قوبدل، ورود مواد اولیه دارویی به کشور آنقدر فرآیند طولانی دارد که تا وارد شود و به دست بیماران برسد، خیلی زمان می‌برد، در مناظرات مربوط به انتخابات ریاست‌جمهوری به‌هیچ‌وجه درباره این موضوعات صحبت نشد. این مسئله جناحی نبود، بلکه از سوی نامزدها مغفول مانده بود: «در مناسبات خارجی و اجتماعی کشور، بیشتر نامزدها صحبت کردند و مثال آوردند جز در بحث دارو و دسترسی بیماران به داروهای صعب‌العلاج.» براساس اعلام مشاور هیئت‌مدیره کانون هموفیلی، در مسیر تحریم‌ها، تولید دارو از استاندارد خارج می‌شود و این مسئله سلامت مردم را به‌خطر می‌اندازد؛ همچنین این وضعیت سبب شده تا تولید داخلی با هر استاندارد مجوز تولید بگیرد و به‌دلیل در دسترس نبودن داروهای مرغوب، حتی به آن مجوز اضطراری داده شود. برخی از داروها، بدون طی کردن دوره کارآزمایی بالینی تولید می‌شدند. سال گذشته حدود ۹ ماه داروی بیماران هموفیلی پیدا نمی‌شد. در نهایت سازمان غذا و دارو هم نتوانست این مشکل را حل کند؛ یک تولیدکننده داخلی وارد کار شد.

تحریم‌ها چه بلایی سر بیماران آورد؟

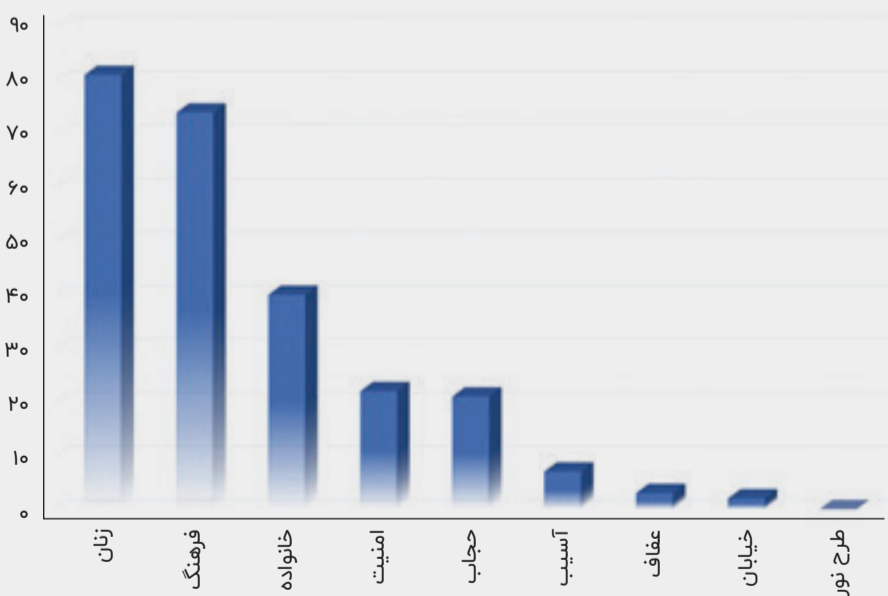
پاییز سال گذشته بود که رئیس انجمن تالاسمی ایران از مرگ بیش از ۷۵۰ بیمار تالاسمی به‌دلیل تحریم‌ها خبر داد. به گفته یونس عرب، در کنار این افراد، بیش از ۱۲ هزار بیمار هم با آسیب‌های جدی مواجه شده‌اند. بهار امسال همین مسئول اما آمار بالاتری اعلام کرد؛ به گفته او، از زمان برگشت تحریم‌ها یعنی از سال ۹۷ تاکنون یک هزار و ۱۰۰ بیمار تالاسمی به‌دلیل نبود دارو جان‌شان را از دست داده‌اند. بیماران تالاسمی شش سال است که درگیر کمبود دارو هستند. پاییز همان سال هم رئیس کانون هموفیلی ایران از کاهش دسترسی بیماران هموفیلی به داروهای شان به‌دلیل تحریم‌ها خبر داد. به گفته او در همان دوره، هیچ‌دوبی از داروی بیماران هموفیلی در انبارهای کشور وجود ندارد، دسترسی بیماران به این داروها، سه تا شش ماه دیرتر انجام می‌شود: «داروهای هموفیلی حداکثر تا ۶ روز در انبار می‌ماند، این یک فاجعه است.» او زمانی که این موضوع را مطرح کرد، حدود سه ماهی می‌شد که یکی از داروهای ضروری بیماران هموفیلی پیدا نمی‌شد و حدود ۹ ماه بود که داروی مکمل برای جلوگیری از خونریزی این بیماران در کشور تولید نمی‌شد. تحریم علیه ایران از سال ۹۷ شدت گرفت، درست زمانی که آمریکا با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از برجام خارج شد و علیه ایران تحریم اعمال کرد. با اینکه تأکید آنها بر این بود که در این پروسه، داروهای تحریم نشده‌اند اما به‌دلیل بسته بودن راه‌های انتقال ارز، عملی نمی‌توان پولی جابه‌جا کرد تا دارویی خریداری وارد شود. ماجرای تحریم‌ها اما تنها گریبان این بیماران را ننگرفت، کودکان مبتلا به ای‌بی‌هم در دایره قربانیانش قرار می‌گیرند؛ کودکانی که به‌دلیل تحریم پانسمان‌شان، رنج مضاعفی را تحمل می‌کنند. بیماران مبتلا به دیابت هم در همین گروه قرار می‌گیرند؛ وقتی از نبود قلم انسولین و دستگاه‌های مرتبط به‌بیماری‌شان غایب می‌کنند.

دشوار از جمله کودکان کار، تغییر و توجه به نظام آموزشی در راستای ایجاد فرصت‌های برابر و آموزش با کیفیت، توجه ویژه به ریزش شدید جمعیت واجد تحصیل و پیامدهای نگران‌کننده آن، توجه به شرایط زیستی کودکان مهاجر انجمن حمایت از حقوق کودکان با توجه به سه دهه فعالیت‌های مستمر در حوزه کودکان، آمادگی خود را با هدف ارتقای شرایط زیستی کودکان این سرزمین اعلام می‌دارد.

از کار داوطلبانه شده است. این انجمن درخواست‌های خود را از کاندیداها ریاست‌جمهوری در شش بند مطرح کرده است: «برداشتن نگاه امنیتی از سازمان‌های مردم‌نهاد، کمک به اجرایی شدن اصل‌های ۳ و ۱۵ قانون اساسی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و نیز پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، اختصاص ردیف بودجه برای ارتقای کیفیت زندگی شایسته برای کودکان در وضعیت

طرد شدگان و بی‌صدایان در انتخابات ریاست‌جمهوری

نگاه
کارشناس



بسیاری دیگر از این طبقه که حتی نمی‌دانند انتخابات چه زمانی برگزار می‌شود، تصویر زیر سرچ گوگل، کاربران را پیش از مناظره‌های انتخاباتی دور دوم نشان می‌دهد که بیانگر حساسیت نسبت به مسائل اقتصادی است. موضوعات مربوط به زنان که امروز مهم‌ترین مسائل اجتماعی ما حول آنها قرار دارد و برای تحقق مسائل و مطالبات خود در تلاشند از موضوعاتی است که نامزدها و ستادهای انتخابی آنها تلاش دارند زیرپاگان از آن عبور کنند و قول و تضمینی ندهند. داده‌های صحبت‌های نامزدهای انتخاباتی در مناظرات دور اول با محوریت موضوعات فرهنگی نشان می‌دهد که گرچه بارها کلمه «زنان» تکرار شده اما بلافاصله فرهنگ و خانواده آمده و طرح‌هایی که این مدت

بتوانند تردیدها را کنار گذاشته و به امید ساخت آینده‌ای بهتر به او رای بدهند. داده‌ها نشان می‌دهد زمانی که «طیب‌نیا»، وزیر اقتصاد دولت یازدهم به تیم اقتصادی آقای پزشکیان اضافه شد، سرچ گوگل درباره ایشان افزایش ناگهانی پیدا کرد و در مقابل در جست‌وجوهای مربوط به آقای جلیلی، عبارت «طرح وان» که از طرح‌های اقتصادی مدنظر ایشان هست توسط مردم و کاربران سرچ شده است؛ بی‌صدایان، مطرودشدگان و به حاشیه‌رفتگانی که اینقدر هر بار به امید بهبود اوضاع به پای صندوق آمده و نتیجه‌ای نگرفتند که مستأصل در میان مطالب موجود در فضای اینترنت به دنبال برنامه‌های اقتصادی می‌گردند؛ البته آنهایی که به این فضا دسترسی دارند، چه بسا



محمدعلی دادگستریا

پژوهشگر رسانه‌های اجتماعی

نتایج انتخابات هشتم تیرماه برای همه شوکه‌کننده بود، مشارکتی که به زحمات ۴۰ درصد رسید در تاریخ انتخابات‌های ریاست‌جمهوری ایران سابقه نداشت. هیچ‌یک از مراکز افکارسنجی و نظرسنجی نیز چنین مشارکت کمی را برآورد نکرده بودند و تصور نمی‌کردند مشارکت از انتخابات غیرقانونی ۱۴۰۰ نیز کمتر باشد. اکنون سوال اینجاست که این ۶۰ درصدی که حتی صندوق رأی را به رسمیت شناختند چه ویژگی مهمی داشتند؟ باید یکبار دیگر به استان‌های با کمترین مشارکت در مقایسه با انتخابات گذشته نگاه کنیم:

این نکته قابل توجه است که، تمام شهرهایی که در اعتراضات گذشته آزارهای گسترده و کشته‌شدگان و مجروحین بیشتری داشته، مشارکت کمتری را به خود اختصاص داده. سیستان و بلوچستان در صدر آسیب‌های این آزارها بود، پس از آن گیلان و مازندران نیز به چشم می‌خورد که آسیب‌های اجتماعی ناشی از اعتراضات گذشته در آنها حداکثر بوده و بازنمایی شیشه‌شکن شدن صدای آنها دو سال بعد در انتخابات گذشته خود را نشان داد. این تنها صدای شنیده نشده نیست. محیط‌زیست هم یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که جز بیانیه‌خوانی‌های انتهای مناظرات اثر و برنامه‌ای جدی از سوی هیچ‌کدام از نامزدها برای توسعه آن نمی‌بینیم. به‌طور مثال کاربران توئیتر در دو سال گذشته بارها نام میانکاله را به زبان آورده و نگرانی خود را بابت اقدامات نادرست و به خطر افتادن اکوسیستم آن عنوان کرده‌اند، اما پژوهشی در فضای انتخاباتی انداخته و در میان صداهای بلند جناح‌های سیاسی گم شده است. اما آنها که قامت‌شان زیر بار مسائل مالی و مشکلات اقتصادی خمیده، به دنبال فردی هستند که